



مردم، خالص‌سازترین عنصر انتخابات

نقش شورای نگهبان در مدیریت انتخابات

باشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند؛ این‌ها تلاش کنند، آن‌ها هم تلاش کنند و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوان‌ها داخلش باشند، هم از آن مجرب‌ها و باسابقه‌ها داخلش باشند. رقابت؛ یعنی این؛ یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

تاکید بر حضور همه‌ی جناح‌های سیاسی، این سوال را در اذهان برخی ایجاد می‌کند که آیا نظارت استصوابی که شورای نگهبان اعمال می‌کند، باعث بی‌معنا شدن حضور همه‌ی تفکرات در روند انتخابات نمی‌شود؟ اینکه شورای نگهبان عده‌ای از داوطلبان نمایندگی مجلس را از حضور در انتخاب منع می‌کند به معنای خالص‌سازی و فراهم کردن شرایط برای روی کار آمدن یک گروه خاص نیست؟ برای پاسخ به این سوال ضروری است که نکاتی را مد نظر قرار دهیم. بدیهی است که حضور همه‌ی جناح‌های سیاسی

انتخابات در نظام جمهوری اسلامی مظهر نقش‌آفرینی مردم در حکومت و اصلی‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی است که مردم از طریق آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تمامی مسئولین نظام را انتخاب می‌کنند. برگزاری انتخابات پرشور و با شرکت همه‌ی جناح‌های سیاسی می‌تواند تاثیر مستقیمی بر روند توسعه و پیشرفت کشور داشته و باعث شود که مسئولینی بر صدر امور قرار بگیرند که نماینده‌ی همه‌ی مردم و انتخاب واقعی همه‌ی آن‌ها باشد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «رقابت؛ یعنی جناح‌های سیاسی برای شرکت در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ گرایش‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ میدان باز باشد برای مسابقه‌ی جناح‌های سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی؛ این معنای رقابت است. رقابت؛ یعنی جوان‌هایی که می‌خواهند وارد میدان انتخابات



شورای نگهبان با دریافت
گزارش‌های مختلف امنیتی،
اخلاقی، سیاسی و ... در
خصوص هر داوطلب به
بررسی صلاحیت او می‌پردازد.

اساسی» در ترکیه، «محکمه النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفا می‌نمایند. (۲)

شورای نگهبان با دریافت گزارش‌های مختلف امنیتی، اخلاقی، سیاسی و ... در خصوص هر داوطلب به بررسی صلاحیت او می‌پردازد. آنچه از عملکرد شورای نگهبان از ابتدای انقلاب تاکنون به دست می‌آید نشان می‌دهد که این شورا معیارهای حداقلی را برای تعیین میزان صلاحیت داوطلبان در نظر می‌گیرد و به عبارتی کسی که مورد تایید این شورا قرار نمی‌گیرد از حداقل معیارها نیز برخوردار نبوده است.

سوالی که ممکن است اینجا به وجود بیاید این است که چرا روند بررسی صلاحیت نامزدها بر عهده‌ی خود مردم گذاشته نمی‌شود تا خودشان به عنوان صاحبان واقعی این نظام و کشور، شخص مورد نظرشان را انتخاب کنند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که کشف بسیاری از

نمی‌تواند به صورت مطلق اتفاق افتاده و هر کس با هر تفکر و رویکردی نسبت به موجودیت نظام اسلامی و قانون اساسی کشور اجازه‌ی حضور در روند انتخابات را نداشته باشد؛ به عنوان مثال کسی که اصل نظام جمهوری اسلامی را قبول نداشته و از هیچ تلاشی برای براندازی آن دریغ نمی‌کند، نمی‌تواند در روند انتخابات شرکت داشته باشد. همچنین کسی که حداقل معیارهای اخلاقی و شخصیتی را برای تصدی پست‌های حساس مدیریتی نداشته باشد، صلاحیت حضور در روند انتخابات را ندارد.

نظام جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به عرصه‌ی انتخابات، از ساز و کاری به نام شورای نگهبان کمک گرفته و احراز صلاحیت داوطلبان حضور در انتخابات را بر عهده‌ی آن شورا گذاشته است. (اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) لازم به ذکر است که ساز و کار احراز صلاحیت داوطلبان، اختصاص به جمهوری اسلامی نداشته و تقریباً در تمامی نظام‌های سیاسی با نام‌های مختلف موجود است؛ به عنوان مثال «دادگاه قانون

مفاسد و ناکارآمدی‌های داوطلبان از عهده‌ی عموم مردم خارج بوده و امکان آن برایشان فراهم نیست؛ به عنوان مثال بسیاری از رد صلاحیت‌ها دلایل امنیتی دارد که جزئیات آن نمی‌تواند در اختیار عموم مردم قرار بگیرد و شورای نگهبان این وظیفه‌ی خطیر را بر عهده دارد که کشور و نظام را از خطر حضور چنین افرادی در مناصب مهم و سرنوشت ساز مصون نگه دارد.

نکته‌ی مهمی که در روند تایید صلاحیت داوطلبان باید بیان شود این است که رویکرد سیاسی و حضور در جناح‌های مختلف سیاسی هیچ تأثیری در احراز یا عدم احراز صلاحیت داوطلبان ندارد. حضور شخصیت‌های مختلف از جناح‌های سیاسی مختلف در مهم‌ترین مناصب سیاسی همچون ریاست جمهوری شاهده‌ی بر این مدعاست. نگاهی به تاریخچه‌ی اقدامات شورای نگهبان نشان می‌دهد که اتهام «خالص سازی» توصیف مناسبی برای عملکرد شورای نگهبان نیست؛ به عنوان مثال حضور شخصیت‌هایی؛ همچون سیدمحمدخامنی (اصلاح طلب)، احمد توکلی (اصولگرا)، مصطفی معین (اصلاح طلب)، حبیب‌الله عسکراولادی (حزب موتلفه‌ی اسلامی)، محسن مهرعلیزاده (اصلاح طلب)، عبدالناصر همتی (اصلاح طلب)، محمود احمدی نژاد (اصولگرا)، مهدی کروبی (اصلاح طلب)، میرحسین موسوی (اصلاح طلب)، حسن روحانی (راست سنتی متمایل به اصلاح طلبان)، سعید جلیلی، ابراهیم رئیسی، اصولگرا) و... نشان می‌دهد که همواره و در همه‌ی انتخابات طیف‌های مختلف سیاسی حضور داشته‌اند و در دوره‌های مختلف توانسته‌اند قدرت را به دست بگیرند. وضعیت در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به همین منوال بوده است و در هر دوره طیف‌های مختلف سیاسی حضور فعال و اثرگذار داشته‌اند. به عنوان نمونه اکثریت کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در دوره‌ی ششم در اختیار اصلاح طلبان قرار داشت و در مجلس هفتم، هشتم و نهم، وضعیت کاملاً برعکس بود و اصولگرایان اکثریت این مجالس را تشکیل می‌دادند. در مجلس دهم دوباره اصلاح طلبان و حامیان دولت حسن روحانی توانستند اکثر کرسی‌های مجلس را به دست بگیرند. توجه به ترکیب داوطلبان مناصب مختلف در دوره‌های متمادی نشان می‌دهد که شورای نگهبان هیچ‌گاه مانعی بر سر راه جناح‌های سیاسی برای حضور در انتخابات نبوده است. اتهام «خالص سازی» در این دوره و پس از اعلام نتایج احراز صلاحیت‌ها را عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی در حالی مطرح کردند که در دوازدهمین دوره‌ی انتخابات مجلس بیش از ۲۱ هزار پرونده از واجدین شرایط در هیات‌های نظارت استانی مورد بررسی قرار گرفت که بیش از ۵۲ درصد از این افراد تایید صلاحیت شدند. در واقع صلاحیت بیش از ۱۱

هزار نفر را هیات مرکزی نظارت بر انتخابات و هیات‌های نظارت استانی تایید کردند که این رقم نسبت به دوره‌ی قبل؛ یعنی تعداد افرادی که در هیات‌های نظارت استانی انتخابات مجلس یازدهم تایید صلاحیت شدند، دو برابر است. بنابراین به ازای هر کرسی مجلس ۳۸ نفر تایید صلاحیت شدند که در حوزه‌های انتخابیه‌ی مختلف به رقابت خواهند پرداخت.

مبنا در شورای نگهبان همواره قانون بوده و سعی شورا بر این است تا با بی‌طرفی بر اساس قانون عمل کند و نتیجه‌ی انتخاب مردم همواره به گونه‌ای بوده که گروه‌های سیاسی مختلف و جناح‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف در ادوار مختلف با تکیه بر همین قانون در انتخابات حضور داشته و منشا خدماتی در کشور باشند. در مقابل، انتخاب مردم هم نتیجه‌ی عملکرد همین جناح‌های سیاسی بوده است. در دوره‌ای به یک طیف و جریان سیاسی رای داده‌اند و دوره‌ی دیگری به گروه دیگر. به نظر می‌رسد مطرح شدن این اتهامات در جهت پرهزینه‌تر کردن عمل به قانون برای شورای نگهبان است؛ چرا که افراد مختلف به سبب مفاسد و ناکارآمدی‌های خود طبق قانون اجازه‌ی حضور در انتخابات را نداشته و تلاش می‌کنند تا با مطرح کردن این اتهامات، شورا را در برابر افکار عمومی قرار داده و مسیر را برای حضور غیرقانونی خود فراهم کنند.

اینکه یک گروه سیاسی شخصیت مورد اعتنا و موجهی برای حضور در عرصه‌ی انتخابات در اختیار ندارد و تمامی شخصیت‌های برجسته و شناخته شده‌ی آن دارای سوابق اقدامات ضدامنیتی و مفاسد اقتصادی و اخلاقی هستند که مانع حضور قانونی‌شان در عرصه‌ی انتخابات است، دلیلی بر سیاسی‌کاری شورا و به معنای جلوگیری از حضور جناح‌های مختلف سیاسی در عرصه‌ی انتخابات نیست بلکه رفتار شورا مصداق واقعی «عمل به مر قانون» است.

آنچه اهمیت دارد این است که نهایتاً انتخاب با مردم است و این مردم هستند که تعیین می‌کنند چه کسی بر صندلی‌های مجلس شورای اسلامی تکیه زده و به امر قانونگذاری مشغول شود. اگر خالص سازی هم قرار است اتفاق بیفتد از جانب مردم خواهد بود و آن‌ها هستند که با توجه به عملکرد گروه‌های سیاسی، آن‌ها را خالص سازی کرده و اجازه‌ی تصدی مناصب سیاسی را به آن‌ها نمی‌دهند.

تاکید مقام معظم رهبری بر حضور همه جناح‌های سیاسی به معنای نادیده گرفتن ملاک‌های صلاحیت برای تصدی مناصب سیاسی نیست. بلکه بیشتر به معنای برجسته کردن تاثیر انتخابات پرشور در آینده‌ی کشور و حل مشکلات موجود و ترغیب جناح‌های سیاسی مختلف برای حضور در عرصه‌ی انتخابات است.